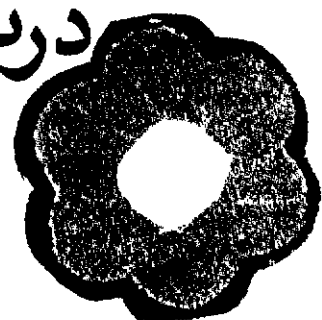


درباره جشنواره فیلم فجر



# وجشنواره‌های بین‌المللی

سید محمد بهشتی: با توجه به اینکه موضوع صحبت ما، موضوع خیلی مبهم و پیچیده‌ای نیست، فکر می‌کنم نیاز به توضیح چندانی نداشته باشد. البته قبلاً در یکی از دانشکده‌ها گزارش مفصلی راجع به جشنواره‌ها داده شد که همراه با سؤالات و جوابهایی بود که نکات لازم در طی آن بیان شد. از آن موقع تا به امروز آهنگ حرکت همچنان شتاب خودش را حفظ کرده است و دارد پیش می‌رود و سینمای ما الآن در محافل بین‌المللی سینما در موقعیت خیلی برجسته‌ای قرار دارد و با اطلاعاتی که بعداً آقای شجاع نوری اشاره خواهند کرد، این مسئله روشن می‌شود که ما نسبت به بحثهایی که قبلاً در آنجا کرده بودیم خیلی اشتباه نمی‌کردیم. امیدواریم سینمای ما مسیر خودش را در صحت و سلامت آن طور طی کند که این فعالیت و این حضور همچنان سیر صعودی داشته باشد و دچار

در ایام برگزاری نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از سوی «مجتمع دانشگاهی هنر» و با همکاری «دفتر جشنواره فیلم فجر» و «بنیاد سینمایی فارابی» مجموعه نشستهای با مسئولان، صاحبان نظران و دست‌اندرکاران سینمایی تحت عنوان «کنفرانسهای سینمایی» در محل این دانشگاه برگزار می‌شد.

سید محمد بهشتی مدیر جشنواره فیلم فجر و علیرضا شجاع نوری نماینده سینمای ایران در جشنواره‌های بین‌المللی، سخنرانان یکی از این نشستها بودند که به همراه پرسشهایی که از سوی شرکت کنندگان شد، مطالبی در مورد جشنواره فیلم فجر و حضور بین‌المللی سینمای ایران ارائه نمودند که «فصلنامه سینمایی فارابی» مشروح این نشست را پس از تنظیم و ویرایش برای این شماره خود انتخاب کرده است که ملاحظه می‌فرمایید:

نزول نشود. اکنون باید دید در چه مرحله‌ای از مراحل می‌تواند که قبلاً گفته شده است، هستیم.

با توجه به اینکه جشنواره در مجموعه سینما به عنوان بهترین فرصت برای عرضه جنبه فرهنگی و هنری فیلمها است تا سینماگران با مخاطبانشان بتوانند تماسی صرفاً فرهنگی و هنری برقرار کنند، خاصیت دیگری هم دارد و آن اینکه می‌تواند يك ارزیابی کلی نسبت به کلیت سینما به دست دهد یعنی ما در يك لانگ شات بتوانیم کارنامه فعالیت یکساله‌اش را ببینیم. از این نظر جشنواره از دوره دوم به بعد با توجه به حرکتهایی که در سینما صورت گرفت، هر سال تقریباً همین خصوصیت را دارد؛ یعنی برای کسانی که بخواهند کل حرکت سینما در کشور را ارزیابی کنند از همه نظر جشنواره شاید مغتنم ترین فرصت باشد؛ زیرا در يك فرصت کوتاه همه فیلمها در کنار هم عرضه می‌شوند.

غیر از نمایش و عرضه فیلمها، بسیاری از بخشهای سناریویی که برای شکل گیری و تداوم حرکت سینما به اجرا در آمد، یا در جشنواره فجر شروع شده بود یا جمع بندی آنها را می‌شد در جشنواره فجر مشاهده کرد.

عنوان برنامه ریزیهای سینمای ما تا سال ۱۳۶۵ «راه اندازی» بود یعنی بیشترین تأکید برنامه‌ها روی جنبه‌های صنعتی و اقتصادی

سینما بود. جشنواره‌های سالهای ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و حتی ۶۵ را که مطالعه کنید این جنبه را کاملاً مشاهده می‌کنید. یعنی فیلمها از نظر تعداد و کمیت افزایش پیدا می‌کنند و از نظر تکنیکی رو به رشد هستند، همچنین در آنها با تحول نیروی انسانی در سینما رو به رو هستیم و خلاصه، وجهه اقتصادی و صنعتی سینما در حال تحول است.

در این دوره البته در جنبه‌های فرهنگی و هنری هم نیاز بود که مقدمه چینی‌ها و زمینه‌سازیهایی بشود. شما به جشنواره سال ۶۶ به بعد که نگاه کنید این برنامه ریزیهها و عرصه‌های جدیدی که در سینما به آن توجه شد را می‌توانید مشاهده کنید.

نکته دیگر خصوصیتی است که تلاش شده است جشنواره‌ها در ایران داشته باشند و آن هم این است که جشنواره‌ها جزئی از مجموعه سینمای کشور به حساب بیایند نه يك موجود مستقل و مستغنی از بقیه سینما آن چنانکه در جاهای دیگر دنیا وجود دارد. جشنواره فیلیپین یا جشنواره تهران در قبل از انقلاب یا جشنواره کارتاژ تونس از این قبیل موارد است. در حالی که کشور تونس سینمایی ندارد ولی جشنواره دارد و برای این جشنواره هم اصلاً بود و نبود سینمای کشورش اهمیتی ندارد. در حالی که ما چنین چیزی نمی‌خواستیم. زیرا با حثمان همواره این



بود که زمانی می توانیم جشنواره برگزار کنیم که سینما داشته باشیم و هر بخشی که در جشنواره وجود داشته باشد حتماً باید يك جنبه کاربردی برای سینمایمان داشته باشد. یعنی یا نمایش دهنده حرکتی باشد که وجود دارد یا نقطه شروع آن حرکت باشد. شما با توجه به این نکته می بینید که مثلاً در يك دورانی به این نتیجه می رسیدیم که حتماً به سینمای کودکان و نوجوانان بپردازیم، آن هم به صورت حرفه‌ای. ما فعالیت جدی حرفه‌ای در این زمینه نداشتیم و می خواستیم با جشنواره این برنامه و سیاست را اعلام کنیم. البته به جشنواره هم اکتفا نمی کنیم چون فعالیتهای زیاد دیگری باید صورت بگیرد تا يك جریان سینمایی به راه بیفتد. الان دو سال است که سینمای کودک در کشورمان فعالیت جدی خودش را شروع کرده است. امسال ما ششمین دوره جشنواره کودکان را برگزار کردیم. در دوره‌های قبل در شرایطی جشنواره برگزار می شد که هنوز ما سینمای کودک نداشتیم ولی آن زمان لازم بود به خاطر طرح موضوع کودکان و نوجوانان در جشنواره، این مسئله طرح بشود، سؤال ایجاد شود و فعالیتهای جنبی صورت بگیرد و آنها همه به یکدیگر پیوند بخورند تا يك جریانی مثل سینمای کودکان و نوجوانان راه بیفتد.

مثلاً ما امسال در جشنواره بخش سینمای زن داریم. در شرایطی که حداقل پنج فیلمساز زن داریم که در سینمای حرفه‌ای حضور دارند و گذشته از اینها، زنان زیادی هم داریم که به عنوان نویسنده و یا حرفه‌های دیگر در کل سینما مشغول به کارند و مثلاً فیلمهای مستند یا انیمیشن می سازند. الان موقعیتی است که اگر بیایم موضوع سینمای زن را طرح بکنیم، حرف بی ربطی نزده‌ایم. چیزی نگفته‌ایم که یا واقع نشده یا امکان وقوعش در سینمای ما اصلاً وجود نداشته باشد.

يك زمانی بحث داشتیم که سینمای ما حتماً باید در احراز يك هویت فرهنگی نظر به سینمایی بکند که برخوردار از فکری مستقل است و اصولاً بین فکر و سینما نسبت قائل است. البته هر فیلمی بالاخره متأثر از يك جریان فکری است؛ اما برای ما سینمایی که به شکل آگاهانه، تأثیر گرفته از يك فکر جریان ساز و فعال و پویا باشد اهمیت داشت. وقتی این موضوع در سینمای ما طرح می شود، در جشنواره هم مجبور هستیم بلافاصله نسبت به آن عکس العمل نشان دهیم. طرح فیلمسازان متفکر تحت عنوان مرور آثار یا عناوین مختلف دیگر به این خاطر بوده است. زمانی بحث از نسبت سینما با ادبیات می کردیم، و ناظر به آن بحث دو، سه سال

است که بخش «سینما و ادبیات» را در جشنواره داریم یعنی در واقع به جشنواره به عنوان يك جشنواره کاربردی نگاه می کردیم و تاکنون هم در همین مسیر حرکت کرده ایم . لذا اگر در سالهای آینده همچنان سینما داشته باشیم ، جشنواره هم خواهیم داشت .

س : آقای شجاع نوری ، شما مسئولیت قسمت امور بین الملل بنیاد فارابی را به عهده دارید . لطفاً بر ایمان بگوئید حضور مادر جشنواره های خارجی به چه منظور است و با توجه به اینکه بنیاد سینمایی فارابی تعیین کننده خط مشی این حضور است ، دیدگاه بنیاد در این مورد چیست ؟

علیرضا شجاع نوری : آن اوایلی که تصمیم گرفتیم فیلمهایمان را در خارج از کشور عرضه بکنیم ، به این خاطر بود که سینمای خوبی داشتیم و فکر می کردیم که این سینما باید معرفی شود و حیف است در درون مرز بماند . هدف دیگر آشنا کردن فیلمسازانمان با مخاطبان خارجی بود . که بهترین ابزار آن همین جشنواره ها بودند . تا مطابق این هدف بتوانیم آنها را هر چه بیشتر آگاه و مسلح به زبان بین المللی تصویری کنیم تا شاید به آنها کمک کند راحت تر و بهتر با مخاطب بین المللی ارتباط برقرار کنند . هدف اصلی که برای راه اندازی به آن احتیاج داشتیم این بود . البته از همان زمان هم در نظر داشتیم به جایی برسیم که سینمایمان در سراسر دنیا مخاطب خاص خودش را به دست آورد و اینکه همه بدانند چگونه سینمایی است و چه توقعاتی از آن باید داشته باشند و در نتیجه مخاطب خاص آن همیشه منتظرش باشد . خوشبختانه تاکنون در همین مسیر جلو آمده ایم و فعلاً هم در حال ادامه

بهشتی : زمانی می توانیم جشنواره برگزار کنیم که سینما داشته باشیم و هر بخشی که در جشنواره وجود داشته باشد حتماً باید يك جنبه کاربردی برای سینمایمان داشته باشد ، یعنی یا نمایش دهنده حرکتی باشد که وجود دارد یا نقطه شروع آن حرکت باشد .

دادن آن هستیم. اکنون به دلیل توفیقات زیادی که فیلمهای ایرانی و فیلمسازان ایرانی در خارج از کشور داشته‌اند، در حال رفع بعضی نیازهای سینمای بین‌المللی به وسیله عرضه فیلمهایمان هستیم.

س: آقای شجاع نوری، فیلمهایی که برای جشنواره‌های خارجی انتخاب می‌شوند، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟ طبعاً این مسئله برای شما وجود دارد که در فلان جشنواره، چه نوع فیلمهایی باشد و در آن دیگری چه نوعی؟

علیرضا شجاع نوری: درباره جشنواره‌های بین‌المللی گفتنی است که طبعاً با هم فرق دارند و انتخاب کنندگان فیلمها، مخاطبان و تماشاگرانی که به جشنواره می‌آیند با یکدیگر متفاوت هستند و طبیعی است که فیلم باید به حال و هوایی که آن جشنواره دارد، نزدیک باشد تا بتواند از استقبال خوبی برخوردار شود. اما این توجیهی برای این کار نیست که هر فیلمی که جشنواره بخواهد در اختیارش بگذاریم. البته در این مسئله فقط ما صاحب اختیار نیستیم. جشنواره در چهارچوبهای مورد نظر خودش و ما هم در چهارچوب تولیدهایمان در یک نقطه با هم تلاقی می‌کنیم؛ ولی برنامه‌ریزی باید طوری باشد که فیلمها در اندازه خودشان در جشنواره‌ها مطرح بشوند یعنی یک فیلم خوب و با ارزش ما اگر در یک جشنواره درجه سه نمایش داده شود ممکن است خیلی با استقبال روبه‌رو شود؛ اما نمی‌توانیم یک فیلم درجه سه را بفرستیم به یک جشنواره درجه یک و توقع داشته باشیم که در آنجا هم با استقبال روبه‌رو شود. جشنواره‌ها با توجه به پوششی که از لحاظ مطبوعات دارند و با توجه به میزان استقبالی که از جانب مخاطبان

می‌شوند، در نظر ما ارزش گذاری می‌شوند، به همین خاطر اگر یک فیلم قوی تر وارد یک جشنواره قویتر بشود و یک فیلم ضعیفتر وارد یک جشنواره ضعیفتر، توفیق بیشتری را در مجموع برای سینمای ایران خواهد داشت.

س: جناب آقای بهشتی، «جشنواره فجر» جشنواره خلوتی نیست. حتی امسال که ما جشنواره کودک را نداریم باز بخشهایی را به آن افزودید و اکنون حجم زیاد برنامه‌ها را شاهد هستیم، بگذریم از اینکه خود این قضیه چقدر برای تماشاگران همه فیلمها مشکل ایجاد می‌کند. می‌خواهیم بدانیم این کار چه علتی دارد؟ آیا چیز خاصی را دنبال می‌کنید یا اینکه روال جشنواره‌ها در خارج از کشور هم همین طور است؟

سید محمد بهشتی: من قبل از پاسخ دادن به سؤال شما، نکته‌ای راجع به مطالبی که آقای شجاع نوری گفتند به نظرم می‌رسد که بیان می‌کنم. علتی که ما در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا کردیم و اصلاً این امر را توجیه کردیم، این بود که ما یک فکری را در سینمایمان دنبال می‌کردیم، و آن فکر چنین بود که یک هویت مستقل فرهنگی - هنری را برای سینمایمان جستجو کنیم و در این زمینه، فیلمسازانمان هم فعالیت‌های گسترده‌ای را انجام دادند. ما فاصله بسیار زیادی از گذشته‌مان پیدا کردیم و توفیقاتی هم در این جستجو به دست آوردیم. وقتی یک سینما می‌تواند در کسب یک هویت مستقل موفقیت‌هایی پیدا کند، موقعیت تازه برایش مساعد می‌شود که بتواند در اجتماعات دیگر و محافل دیگر عرض اندام کند زیرا روی پای خودش محکم شده است و این مسئله که در

يك موقعيت بين المللی بلافاصله تحت تاثير شرايط قرار بگيرد و به رنگ آن اجتماع در آيد، احتمالش كمتر می شود و زمينه چنين پتانسیلی کاهش پیدا می کند.

سینمای ما از زمانی که چنين تسویقاتی را بدست آورد، این خصوصیت را پیدا کرد. لذا تلاش کردیم در این صحنه‌ها حاضر شویم. البته اهداف گوناگونی را در این زمینه دنبال می کردیم. یکی از هدفها که به اعتباری مهمترین هدف ما هم هست هدف فرهنگی - هنری بود. یعنی سینمایی که در يك عرصه‌ای فعالیت می کند، تلاش می کند و موفقیت‌هایی هم کسب می کند، طبیعی است که در محافل گوناگونی که میدان عرض اندام چنين فعالیت‌هایی است حضور پیدا کند و به نمایش در بیاید. مثل شاعری که شعری می گوید و دنبال محفلی می گردد که شعرش را بخواند نه اینکه آن را در کشوی میز بگذارد؛ یا نقاشی که تابلویی می کشد و دنبال موقعیتی می گردد تا تابلوی خودش را به نمایش در آورد، سینمای ما هم چنين فعالیتی را دنبال می کرد. برای خودمان هم فهمیدن این نکته جالب بود که این تلاش ما را به سمت يك سینمای خیلی خصوصی و با کیفیتی سوق داده است که فقط در داخل مرزها امکان نشو و نما و رشد دارد یا حرفی دارد که اصولاً به فرهنگ ما تعلق دارد. ما معتقدیم حرفمان تنها يك حرف ملی نیست، بلکه حرفی جهانی هم می تواند باشد. سؤال این بود که آیا این سینما توفیق آن را پیدا کرده است که بتواند این حرف را در مقیاس جهانی بگوید یا نه؟ یافتن پاسخ نیاز به تربیون‌هایی داشت که حضور در صحنه‌های بین المللی در جهت یافتن آن

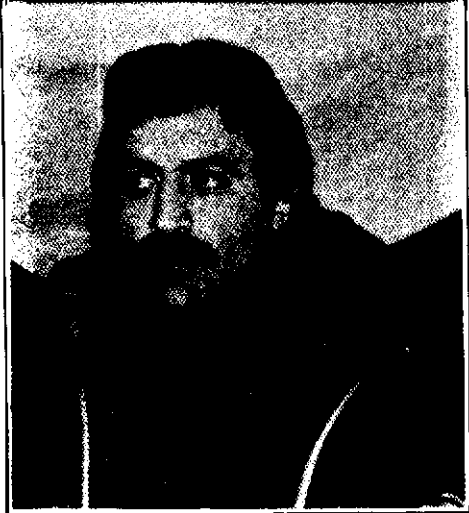
است.

نکته دیگر اینکه - البته اینها بحث‌های فنی و حرفه‌ای قضیه است - برای آنکه چنين حضوری هم داشته باشیم ما مواجه با افعیهایی در دنیا هستیم که مقاصدی را دنبال می کنند همچنانکه ما هم مقاصد دیگری را دنبال می کنیم مثلاً ما از این فرصتها می خواستیم استفاده کنیم برای اینکه بازار خودمان را در میدان فعالیت‌های اقتصادی سینما هم گسترش بدهیم. خیلی‌های دیگر هم هستند که می خواهند چنين کاری بکنند و طبیعی است که رقابت بسیار سختی در اینجا وجود دارد. به چنين میدانی با توجه به قوانین و قواعدی که چنين بازی‌هایی دارد ناگزیر بودیم به نحوی وارد شویم که به اهداف مورد نظرمان برسیم. طبیعی است در این صورت هر کدام از این موقعیت‌های بین المللی برای ما ارزش و اهمیت پیدا می کند. در این حالت فعالیت‌های ما يك صورت ظاهر دارد و يك صورت مخفی و پنهان. صورت ظاهر این است که همچون کشورهای دیگر می خواهیم در صحنه‌های بین المللی حاضر باشیم همان گونه که در سازمان ملل می خواهیم عضو باشیم. روشن است که عضویت ما در سازمان ملل به این معنی نیست که همه مصوبات آن را جزو آرای خودمان می دانیم بلکه ما از آنجا به عنوان يك تربیون استفاده می کنیم تا بتوانیم نظریات خودمان را بگوییم. اگر عضو نباشیم طبیعی است که پشت آن میکروفن نمی توانیم قرار گیریم و حرف‌هایمان را بزنیم. حضور در جشنواره‌ها هم در حقیقت برای ما چنين ارزشی دارد. مسائل زیادی وجود دارد که متأسفانه با فرصت نمی کنیم طرح کنیم یا اصولاً قابل

طرح نیستند یعنی اینها باید جزو بخشهای محرمانه سینما تلقی شوند. اگر آنها طرح بشوند حکایتگر جنگ بسیار سختی است که ما گاهی مجبوریم با جشنواره‌ها و موقعیتهای مختلف داشته باشیم تا بتوانیم حرفمان را به کرسی بنشانیم. يك نمونه برایتان می آورم. (البته اسم کشور و جشنواره را نمی گویم) ما با جشنواره‌ای يك جنگ زرگری یکساله داشتیم؛ به این صورت که آنها از سینمای ما دعوت کردند تا در آنجا حضور داشته باشد. دعوتی که در حالت طبیعی ما به آن پاسخ مثبت می دادیم ولی چون می دانستیم آنها اهداف دیگری را دنبال می کنند، نمی خواستیم به اهدافشان برسند. ۱۵ تا ۲۰ روز قبل از برگزاری آن جشنواره با توجه به اینکه سینمای ایران تقریباً بخش اصلی جشنواره را هم تشکیل داده بود، هنوز معلوم نکرده بودیم که شرکت می کنیم یا نه. این هم در واقع تصمیم ما بود. آن قدر این بازی شطرنج گونه را ادامه دادیم تا او ناگزیر شود از بسیاری از مهره‌هایی که در اختیار گرفته بود صرف نظر کند تا این امکان برای ما فراهم شود که مهره‌های دیگری وارد بازی کنیم. آن گاه وارد صحنه شدیم و آن جشنواره برگزار شد. به این صورت بود که آنها در پایان اقرار کردند که به هیچ کدام از اهدافشان نرسیده‌اند و البته خدا هم به ما کمک کرد و ما هم تقریباً به همه اهدافمان رسیدیم. مسئول آنجا از جمله مقاصدش به راه انداختن جنجالی بود که در نهایت به نفع ما تمام شد و باعث جلب توجه مخاطبان به سینمای ما شد که بیایند فیلمها را ببینند و ارزیابی کنند و این ارزیابی، همان بود که اگر در يك شرایط آرام و مساعد سینمای ما مطرح می شد، ما توقع آن را

شجاع نوری: سر و صدا و هیجانات کاذب در بازار بین المللی سینما باعث شده است که مردم گرایش به فیلمهایی پیدا کنند که به دور از هیاهو و جنجالهای کاذب می خواهند واقعاً يك مطلبی را بیان کنند و با تماشاگران ارتباطی صادقانه برقرار کنند.





داشتیم . البته اینکه اسم آن موقعیت را نمی آورم بدین خاطر است که سایه اش دوباره روی فعالیت های بعدی ما که در حال انجام است نیفتد .

نفس حضور در صحنه های بین المللی حکایت از موفقیت ما دارد . اگر سینمای ما چیزی نداشت ، موفق نمی شد زیرا با دست خالی نمی توان در این صحنه ها حضور داشت . در هر حال «بیهوده سخن بدین درازی نبود» .

اما پاسخ سؤال شما ؛ می شود جشنواره فجر را به نحوی برگزار کرد که پاسخگوی همه این سؤالات باشد و نهایتاً یک جشنواره بسیار سرد و بی رونقی شود ؛ جشنواره اگر بخواهد جشنواره باشد باید خصوصیتی داشته باشد و یک تب و تاب در ارتباط با آن وجود داشته باشد . هر جشنواره در نهایت از یک اندازه ای نباید کوچکتر شود یعنی کوچکتر شدنش مثل آن می ماند که از یک دانه سیب بگذریم و برویم سراغ آب سیب ، در این صورت دیگر نمی توان آن را جزو میوه ها به حساب آورد . البته ما جشنواره های کوچکتر از جشنواره فجر هم در داخل کشور برگزار می کنیم ولی موضوع آن ، موضوعی انتخاب می شود که اندازه کوچکش به آن لطمه نزنند .

اگر ما امکاناتش را داشته باشیم - این امکانات هم شامل بودجه می شود و هم امکان

فعالیت های گسترده تر در طول سال و هم امکان داشتن سالن های بهتر در تعداد بیشتر و . . . - و اگر بخواهیم جشنواره فجر را در اندازه های سینمایمان برگزار کنیم از این هم مفصلتر می شود . البته در هیچ کجای دنیا این را نقص یک جشنواره نمی دانند که تعداد فیلم هایش ، تعدادی باشد که یک آدم طبیعی که در روز چهار ، پنج فیلم بیشتر نمی تواند ببیند ، اگر تمام ایام آن جشنواره را هم فیلم ببیند نتواند همه را ببیند و لذا بگوییم این جشنواره فیلم زیاد دارد یا زیادی دارد .

جشنواره ای در دنیا داریم که گاهی ۱۰۰۰ فیلم در آن در مدت ۱۵ روز نمایش می دهند و این ۱۰۰۰ را بر ۱۵ تقسیم کنید ببینید چه تعداد می شود . ما امسال در جشنواره ۱۷۰ فیلم داریم که نسبت به سال های گذشته اگر چه کمتر است ولی می دانیم که همه را در ظرف ۱۱ روز یک نفر نمی تواند ببیند و قرار هم نیست که این طور بشود . هر کسی باید انتخاب های خودش را داشته باشد . یک آدمی که روزی چهار فیلم می تواند ببیند ، در ظرف ۱۱ روز جمعاً ۴۴ فیلم می بیند . اگر قرار باشد این طور عمل کنیم فکر می کنم جشنواره ای داشته باشیم با ۴۴ فیلم و یک جشنواره ۴۴ فیلمی جشنواره خیلی خنکی می شود . زیرا ما جشنواره را به قد و قواره یک بیننده بریدیم نه به قد و قواره سینمایمان و این

داشتیم . البته اینکه اسم آن موقعیت را نمی آورم بدین خاطر است که سایه اش دوباره روی فعالیت های بعدی ما که در حال انجام است نیفتد .

نفس حضور در صحنه های بین المللی حکایت از موفقیت ما دارد . اگر سینمای ما چیزی نداشت ، موفق نمی شد زیرا با دست خالی نمی توان در این صحنه ها حضور داشت . در هر حال «بیهوده سخن بدین درازی نبود» .

اما پاسخ سؤال شما ؛ می شود جشنواره فجر را به نحوی برگزار کرد که پاسخگوی همه این سؤالات باشد و نهایتاً یک جشنواره بسیار سرد و بی رونقی شود ؛ جشنواره اگر بخواهد جشنواره باشد باید خصوصیتی داشته باشد و یک تب و تاب در ارتباط با آن وجود داشته باشد . هر جشنواره در نهایت از یک اندازه ای نباید کوچکتر شود یعنی کوچکتر شدنش مثل آن می ماند که از یک دانه سیب بگذریم و برویم سراغ آب سیب ، در این صورت دیگر نمی توان آن را جزو میوه ها به حساب آورد . البته ما جشنواره های کوچکتر از جشنواره فجر هم در داخل کشور برگزار می کنیم ولی موضوع آن ، موضوعی انتخاب می شود که اندازه کوچکش به آن لطمه نزنند .

اگر ما امکاناتش را داشته باشیم - این امکانات هم شامل بودجه می شود و هم امکان

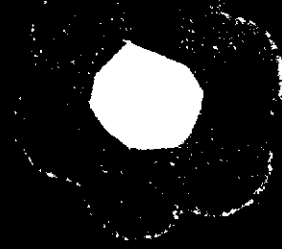
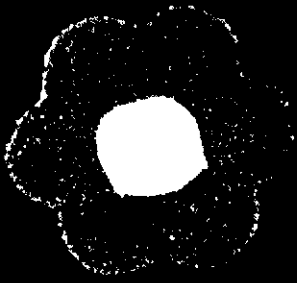
درحالی است که مخاطبان ما متفاوت هستند و برنامه‌ریزی باید برای همه صورت گیرد.

زمانی تنها جشنواره‌ی جدیی که داشتیم جشنواره‌ی فجر بود. در سال ۶۲، ۶۳، جشنواره به تعداد زیاد برگزار می شد ولی آنهایی که جدی بودند و به حیات خودشان ادامه دادند خیلی محدود بودند. اگر زمانی فقط جشنواره‌ی فجر بود الآن داریم به سمت این می رویم که تعداد جشنواره‌های جدیی را که تداوم حیات داشته باشند زیاد کنیم. یعنی الآن جشنواره‌ی فجر همچون گلدانی است که مرتب شاخه‌هایی از آن جدا می کنند، قلمه می زنند و گلدانهای جدیدی ایجاد می کنند. البته جشنواره‌ی فجر هنوز این خصوصیت را دارد که از شاخه‌هایش می شود برای قلمه زدن استفاده کرد. گلدانهای دیگر هنوز چنین حالتی را ندارند که تکثیر شوند. جشنواره‌ی فیلمهای کوتاه و مستند اولین جشنواره‌ای بود که از جشنواره‌ی فجر جدا شد و مستقل. جشنواره‌ی فیلمهای کودکان و نوجوانان دومین بود و امیدواریم جشنواره‌ی فیلمهای اول و دوم سومیش باشد و جشنواره‌های دیگری باشند که در جشنواره‌ی فجر شکل بگیرند، جایبفتند و زمانی که امکان استقلالشان وجود داشت، جدا شوند و البته آن جشنواره‌ها می توانند جشنواره‌های خیلی جمع و جوری باشند.

س: آقای شجاع نوری، با توجه به اینکه سفرهای خارج از کشور و حضور در جشنواره‌های دیگر هم دارید آیا تاکنون انعکاس «جشنواره‌ی فجر» در مجله‌های سینمایی کشورهای دیگر و همینطور محافل سینمایی خارجی را ارزیابی کرده‌اید که به چه صورت است؟

علیرضا شجاع نوری: بله، قطعاً. تادو، سه سال پیش که جشنواره‌ی فجر صورت فعال بین المللی نداشت، اگر گهگاهی در خارج مطرح می کردیم که جشنواره‌ی فجر داریم و از فیلمی دعوت می کردیم، باعث تعجب آنها بود و فکر می کردند که چنین چیزی ممکن نیست. اما از دو سال پیش که میهمانان خارجی، خبرنگاران و منتقدان سینمایی در جشنواره حضور پیدا کرده‌اند، دیده‌اند که تا چه اندازه نظم جشنواره، تعدد عناوین فیلمها و استقبال مردم قابل توجه است. استقبالی که مردم در اینجا از فیلمها می کنند باعث شده است که اگر کسی فیلمی در جشنواره داشته است آرزو کند که دوباره فیلم بسازد تا بتواند با این مخاطب روبه رو شود. اگر هم منتقد یا خبرنگار بوده است آن را به عنوان یک پدیده‌ی شگفت انگیز مطرح کرده است. هر جا هم که رفته‌اند از جشنواره‌ی فجر صحبت کرده‌اند. ما حدود سه، چهار ماه بعد از

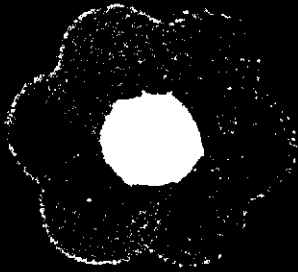




مثالی در این مورد می‌زنم. درباره فیلم زندگی بدون توازن ساخته گادفری رجویو. مادر تاشکند فیلم را به همراه آقای دهقانپور دیدیم. قبل از شروع فیلم کارگردان روی صحنه رفت و اعلام کرد که فیلم دیالوگ ندارد و امیدوارم از آن خوشتان بیاید. بعد از گذشت ۲۰ دقیقه فقط من و آقای دهقانپور مانده بودیم و همه تماشاگران رفته بودند. از این فیلم خوشمان آمد. با کارگردان

جشنواره فجر سفری به جشنواره کن داشتیم. دیدیم انجا همه از این قضیه صحبت می‌کنند. به هر حال صحبت جشنواره در همه جا شده است و باعث شده که جشنواره فجر جشنواره‌اشنایی باشد؛ زیرا علاوه بر اینکه اعتباری دارد، جایی است که هیاهوهای زرق و برق دار جشنواره‌های خارجی را هم ندارد و فیلم به خاطر ارزشهای فیلم مطرح می‌شود و این ارزشها بدون هیچ غرض و مرض دیگری مطرح می‌شوند. لذا جایی است که فیلمسازان می‌خواهند فیلمشان نمایش داده شود.





ایشان که پنجاه و خورده‌ای سن داشت و ۲ متر قد، با یکدیگر بر سر موزیک فیلم که آقای فیلیپ گلاس ساخته بود بحث می‌کردند. آن جوان کلی نظر می‌داد که باید این کار را می‌کرد و آن کار را. ایشان هم تعجب کرده بود که در ایران اینگونه با ایشان صحبت می‌کنند. این بحثها برای بقیه هم که در سالن بودند و اکثر آنها بودند خوشایند بود. رجیو مرتب از من می‌پرسید که آیا به اینها اعلام شده فیلم بدون دیالوگ است و من می‌گفتم بله. وارد سالن شدیم، بعد از اتمام نمایش فیلم بدون اینکه کسی از سالن خارج شود از ایشان استقبال زیادی شد. مردم می‌آمدند و با ایشان دست داده و تشکر می‌کردند. من دیدم رنگش پریده، گریه می‌کند و شدیداً تحت تأثیر واقع شده است. در بازگشت به هتل اصلاً نمی‌دانست چه بگوید. بعدها من هر جا رفتم رد پای ایشان را دیدم که شگفت زده بود از برخورد در ایران.

حالا قضایایی مشابه این و همینطور دور بودن از زرق و برقهای جشنواره‌ای باعث شده است که جشنواره فجر ارزش ویژه‌ای پیدا کند و بعضاً در بعضی نقاط مواجه شویم با فیلمسازهایی که به زعم خودشان فیلم خوبی ساخته‌اند و فکر می‌کنند جشنواره فجر جایی است که می‌تواند فیلمشان در آن مطرح شود و چون

صحبت کردم که فیلمش به ایران بیاید و خودش هم اگر می‌خواهد، بیاید. اولش ادب به خرج داد و گفت بسیار خوب. بعد با خانمش مشورت کرد و آمد گفت اینجا که شوروی است اینجوری استقبال کردند، در ایران حتماً مرا می‌کشند. گفتم نخیر اینطور نیست چون شما از تماشاگران ما اطلاع ندارید. اگر چنین بود اصلاً از شما دعوت نمی‌کردم. گفت فیلم دیالوگ ندارد. گفتم اتفاقاً تماشاگران ما هرچه دیالوگ کمتر باشد بیشتر می‌پسندند. فردایش خانم ایشان آمد که ایشان امریکایی است و ممکن است برایش خطر داشته باشد، لذا اگر ممکن است این کار انجام نگیرد. گفتم نه، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و به عنوان یک هنرمند با او برخورد می‌شود و چون شخصیت سیاسی ندارد، مطمئناً با ایشان برخورد سیاسی نمی‌شود. خلاصه با هول و هراس آمدند. شب نمایش فیلم از هتل آزادی آمدیم به سمت سینما عصر جدید. از خیابان وصال که پایین می‌آمدیم نرسیده به چهارراه طالقانی در تازیکی مردم را دیدم که کنار دیوار صف کشیده‌اند. به ایشان گفتم صف مربوط به فیلم شماست. از همان لحظه حالت عجیبی در ایشان به وجود آمد. در داخل سینما همچون آدمهای خیلی غریب گوشه‌ای ایستاده بود. زنش هم کمی می‌ترسید و فکر می‌کرد آخرین سفرشان را انجام می‌دهند. تا اینکه جوانی آمد و پرسید شما آقای رجیو هستید و او با ترس و لرز گفت بله. این جوان ۲۰، ۲۱ ساله که قد کوتاهی داشت در کنار

دیگر که امکان تولید فیلم ندارند. اشخاص جدیدی حتی در سینمای خودمان مشغول فعالیت هستند که متأسفانه مطبوعات سینمایی ما در این باره خیلی فعال برخورد نمی کنند. برای این است که در اذهان مخاطبان اسامی برگمن و جان فورد و... طوری حک می شود که گویی اگر فیلم مال اینها باشد فیلم خوبی است و در غیر این صورت خیر.

اینکه می گوید فیلم جدید نیست؛ باید نگاه کنید به بخش مسابقه فیلمهای اول و دوم بین المللی. اینها فیلمهای اول و دوم فیلمسازی است که مثل فیلمسازان خودمان که فیلم اول و دومشان را می سازند، هنوز معروف نشده اند. اگر به تاریخ تولید فیلمها توجه کنید می بینید که تولید یکی، دو سال اخیر هستند و این یعنی اینکه جدید هستند. بنابراین فیلم جدید هم داریم.

اینکه می گوید فیلم برجسته نمایش داده نمی شود؛ باید بدانید که در جشنواره امسال دو بخش داریم که دیگر مشخص مشخص است. یکی، «سینما و ادبیات فرانسه» و دیگری، «گنجینه های فیلمخانه ای» که از میان آن صد فیلم مستحق حفظ شدن انتخاب شده اند. اینها در صورتی که این ۱۰۰ فیلم را به رسمیت بشناسیم - از جمله فیلمهای برجسته دنیا هستند و هر جشنواره ای اگر از این میان حدود ۲۰-۲۵ فیلم را نمایش دهد می گوید ۲۰-۲۵ فیلم خوب داریم.

نکته دیگر اینکه وقتی در جشنواره های بین المللی شرکت می کنیم سعی داریم از عموم فیلمهایی که عرضه می شود بهترینشان را انتخاب کنیم. البته جشنواره هایی هم هستند که

حمایت کمپانیهای بزرگ را ندارند و نمی توانند در جشنواره های بزرگ راه پیدا کنند و از استانداردهای بازار یا سیاست هم تبعیت نکرده اند و یک فیلم ویژه هنری که خواست خودشان بوده است ساخته اند لذا جزو معدود نقاطی که فیلمشان را عرضه می کنند و به عنوان یک ملجأ به سراغش می آیند و می خواهند فیلمشان نمایش داده شود، جشنواره فجر ماست و از این لحاظ جشنواره فجر تاکنون وجهه خوبی کسب کرده است.

س: در انتخاب فیلمها در بخش «جشنواره جشنواره ها» اولویتها با چیست؟ یا جشنواره ها یا کارگردانها؟ آیا تمامی فیلمهای این بخش در جشنواره ها موفقیتی داشته اند؟ چرا از فیلمهایی که در جشنواره های معتبرتری شرکت کرده اند استفاده نمی شود؟ فیلمهای خارجی جشنواره امسال روی چه اصلی انتخاب شدند؟ با توجه به اینکه سالهای گذشته، برنامه های جالبتری داشتیم علت وجود فیلمهای تکراری و نبودن فیلمهای جدید چیست؟

سید محمد بهشتی: در این سؤاها تناقض وجود دارد. من دیشب در نشریه روزانه جشنواره مطلبی خواندم که یکی از دوستان پاسخ خوبی در این باره داده بود. به ما خورده می گیرند که چرا فیلمهای جدید به نمایش در نمی آید در حالی که تاریخ تولید فیلمهای بخش جشنواره جشنواره ها را که در کاتالوگ نگاه کنید متوجه می شوید تولید پنج، شش سال اخیر است. فیلم جدید هم منظور تولیدهای اینطوری است نه فیلمهای قرن اخیر. این فیلمها هم عموماً مربوط به فیلمسازان جدید هست زیرا مثلاً جان فورد مرده است و دیگر فیلم نمی سازد و همینطور فیلمسازان معروف

دست خالی از آنجا برمی گردیم . ما در نظر بعضی از مدیران جشنواره های دیگر که میهمان جشنواره فجر هستند موقعیت خاصی داریم . آنها وقتی برنامه جشنواره ما را می بینند متعجب می شوند که در این جشنواره امکان دیدن فیلم خوب اینقدر بیشتر از باقی نقاط است . یعنی می توان فیلمهای بهتری با یک ترکیب خیلی بهتری را در جشنواره فجر دید .

بنابراین ما هم فیلم جدید داریم و هم از کارگردانهای بنام دنیا . به عنوان مثال ، در یک سال یا یک سال و نیم اخیر شاید کوروساوا دو فیلم ساخته باشد که ما هنوز نیاورده ایم و آن هم چون دسترسی نداشتیم و گرنه می آوردیم ؛ ولی فیلم آشوب او را در جشنواره داریم . البته بی رو- درباستی بگویم در دنیا فیلمهایی ساخته می شود که بعضی به عنوان فیلم خوب قلمداد می کنند و مطبوعات ما هم فیلم را ندیده شروع به نقد می کنند و برایش جوایز می کنند- گویا اخیراً نویسندگان ما تخصصشان زیاد شده است ! اما این فیلمها ، فیلمهایی نیست که با معیارهای فرهنگی موجود در کشور که ملزم به مراعات آنها هستیم ، امکان نمایش داشته باشد . وقتی نتوانیم نمایش دهیم ، طبیعی است که انتخاب هم نمی کنیم . لذا اگر کسی توقع دیدن آنها را دارد باید بداند با توجه به معیارهای فرهنگی کشورمان توقع بیجایی است و لذا سؤال متفی است و ادعای آنها هم ادعایی بیش نیست . کسانی که در نقاط دیگر فیلم دیده اند و بعد جشنواره ما را دیده اند به این نکته اقرار دارند که جشنواره فجر از لحاظ نمایش فیلمهای خوب یک جشنواره قابل توجه است .

علیرضا شجاع نوری : نکته ای باید اضافه کنم

بهشتی : ما معتقدیم حرفمان تنها یک حرف ملی نیست ، بلکه حرفی جهانی هم می تواند باشد . برای فهمیدن این نکته که آیا سینمایمان توفیق پیدا کرده است که این حرف را در مقیاس جهانی بگوید ، نیاز به حضور در صحنه های بین المللی داشتیم .



توجه به توفیقاتی که فیلمهای مختلف ایرانی داشتند ما هم يك جمع بنديهايي پيش خودمان داشتيم و به طور موجز در اين باره می توان گفت هرچه فيلم ایرانی تر بوده ، موفقتر هم بوده است . اين واقعتی است که سياستهای گوناگون فرهنگی جشنواره های مختلف تا حدی می تواند اعمال شود ولی وقتی فيلم حرف خودش را زد و تحسین همه را نصیب خود کرد و امتیاز را از همه گرفت ، دیگر آن سياستهای فرهنگی نقش کمی می تواند به دنبال آن بازی بکند .

اینکه فيلم رومنتایی بوده یا شکل دیگری داشته است ، باید ببینیم نگاه فیلمساز چگونه بوده است . اگر نگاه فیلمساز يك نگاه ایرانی به قضیه باشد و از دید يك ایرانی و بازبان يك ایرانی آن را مطرح بکند ، این باعث بدست آوردن توفیق می شود . کم و بیش تمام جشنواره ها در سراسر دنیا با هدف اینکه ارتباط برقرار کنند و اطلاعات منتقل کنند برگزار می شوند و این جزو رسالتهای جشنواره ها است . لذا ارتباط برقرار کردن خوب جزو چیزهایی است که کارگردان باید خودش را با آن مسلح کند . البته اطلاعات نه به مفهوم جاسوسی بلکه به مفهوم علمی و عمومی . این آشنا شدن با نگاه يك ایرانی به يك

و آن این است که فیلمهای امسال جشنواره تمام آنهایی نیستند که دعوت شده اند . تعدادی از فیلمها و همینطور بعضی از میهمانان به خاطر بحران خلیج فارس نتوانستند در جشنواره حاضر باشند .

س : با توجه به معیارهای خاص ارزش گذاری فرهنگی در جوامع مختلف ، تا چه اندازه می توان موفقیت فیلمهای ایرانی در جشنواره های خارجی را ملاک رسیدن به سینمای مطلوب دانست ؟ شیوه بر خورد تماشاگران در جشنواره های خارجی با فیلمهای ایرانی چگونه بوده است و آیا برای فیلمهای ایرانی مسئله ای مانند مسئله آقای رجیو اتفاق نیفتاده است ؟ سینمای ایران چگونه می تواند در مجامع بین المللی مطرح شود ، آيا روند کلی فیلمسازی در ایران تغییر جهت پیدا کرده است یا دنیا تازه متوجه ایران شده است ؟ خارجها بنا بر اعتقاد عده ای می خواهند ما را به شکل موزه ببینند و لذا بعضی از فیلمهایی که در جشنواره های خارجی موفق شده اند واجد چنین خصوصیتی هستند یعنی فیلمهایی می باشند که فضای مثلاً رومنتایی دارند ، راجع به این قضیه چه توضیح و پاسخی دارید ؟

علیرضا شجاع نوری : در این چند ساله با

مطلب ایرانی است که تأثیر خودش را می‌گذارد و همه قضایا را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهد. نمونه‌ای برایتان بگویم.

بعد از فیلم دونه که در جشنواره لوکارنو جایزه گرفت، فیلم ناخدا خورشید در آنجا مطرح شد. من در آن موقع آنجا بودم و خاطرم هست که دو روز قبل از اتمام جشنواره، درباره جوایز تصمیم‌گیریها انجام شده بود و این درحالی بود که موعد نمایش فیلم ایرانی يك روز به آخر بود. اینها اصلاً تصور نمی‌کردند از ایران فیلمی بیاید و فکرمی‌کردند اگر هم آمد و در مسابقه شرکت کرد، آن طور نیست که جایزه بگیرد. مدیر جشنواره که فیلم را انتخاب کرده بود با هیئت داوران بحث کرده بود که فعلاً جوایز را تعیین نکنید ولی کسی گوش نکرده بود. اما وقتی فیلم ناخدا خورشید را دیدند، حکم عوض شد و حرف آخر را فیلم زد. زیرا این فیلم بالآخره به تماشاگران نشان داده خواهد شد و داور هر چقدر هم اعمال نظر کند بالآخره با نظر و ارزیابی و ارزش‌گذاری تماشاگران روبه‌رو خواهد شد و فیلم حرف‌نهایی را خواهد زد، لذا نمی‌توان آن را ندیده گرفت.

اما این مسئله که روند کلی فیلمسازی در ایران تغییر پیدا کرده است، بله. اصلاً با تغییر شروع

کرد و کارش را انجام داد. ولی اینکه چرا جشنواره‌ها متوجه سینمای ایران شده‌اند به خاطر این است که اکنون فتح نصیب شده، لذا فوج فوج دازند به طرف مامی آیند. یعنی قضیه روشن شده است. الان دیگر کسی از اینکه تعریف يك فیلم ایرانی را بکند خجالت نمی‌کشد. من یادم می‌آید که سال ۱۹۸۴ یا ۱۹۸۷ بود، در غرفه فروش فیلمها يك خریدار امریکایی آمد تا از ما فیلم بخرد. ایشان دو روز بود که به غرفه مامی آمد بدون اینکه حرفی بزنند و شاید فکرمی‌کرد اینجا غرفه‌ای است که هیچ اتفاقی درونش نمی‌افتد و پوستره‌هایش فقط پوستر هستند بدون اینکه فیلمی پشت آن باشد. لذا آمد و فقط کاتالوگ جمع کرد. بدون زدن حرفی و شاید انتظار داشت باخشونتی از سوی ما روبه‌رو شود. بعد به او گفتیم فیلم هم داریم و وقتی اطمینان ما را نسبت به فیلمها دید، کم‌کم تحریک شد به اینکه بیاید يك گوشه‌ای از یکی از فیلمها را ببیند و همین نگاه مختصر باعث شد که او دو قرارش را لغو کند و بنشیند و فقط فیلم ببیند. ایشان خیلی خوشش آمده بود و بعد دست آخر به من گفت اگر من به رئیس بگویم يك فیلم از ایران خریدم مطمئناً در کارم تأثیر خواهد داشت و شاید شغلم را از دست بدهم. رئیس





می پذیرد از بنگلادش فیلم بخرم ولی از ایران نه؛ زیرا مطمئن است که در ایران نه هنری هست و نه سینمایی. این گفتگو در آشفته بازار سینمای جهانی انجام می شد. جایی که نمودار تولیدات سینمایی جهان در آنجا عرضه می شود. در غرفه این طرف ما، يك نفر داشت يك نفر رومی کشت؛ در غرفه دیگر چند نفر داشتند به يك نفر تجاوز می کردند؛ در غرفه ای دیگر مثلاً بچه ای داشت پدر و مادرش را اعدام می کرد؛ در يك غرفه رمبو داشت کل ویتنامیها را از بین می برد و خلاصه همه جاتیر و تیراندازی و سرو صدا بود. آن وقت این وسط شما می دیدید که آقا معلم وسط برفهاراه می رود و دارد آنجا با گل کنار چشمه حرف می زند و هر کس بعد از دیدن آن همه کشتار می آمد و این تصاویر را می دید، دچار شگفتی می شد. در مورد آن فیلمها کافی است شمارمورا ببینید و بعد دور باقی غرفه ها را خط بکشید که کمپانیهای هنگ کنگی و درجه دو ایتالیایی و درجه سه امریکایی همینطور از روی رمبوکی می سازند. حالا در یکی چهار خشاب تیر خالی می شود و در دیگری پنج خشاب. در یکی آرپی جی مصرف می شود و در دیگری نارنجک.

اما فیلم ایرانی حال و هوای دیگری دارد. الان در جشنواره ها وقتی کاتالوگ را ورق می زنند و فیلم ایرانی را می بینند، مطمئن هستند که می آیند با چیزی روبه رومی شوند که خارج از آن کلیشه های موجود در جهان هست. همه می دانند فیلم ایرانی را باید ببینند زیرا فردا راجع به آن صحبت می شود و لذا اگر آن را ندیده باشند، در حقیقت فرصت را از دست داده اند.



**شجاع نوری: آنچه‌ان بر علیه هنر و سینمای ایران تبلیغات منفی انجام داده‌اند که اگر فیلمساز ما، فقط راه خودش را برود و با فیلمش حرف و دیدگاهش را بیان کند، برایش محبوبیت ایجاد می شود.**

در جشنواره مونیخ که جزو معدود جشنواره‌هایی است که در آن جلسات بحث و بررسی آزاد هست، محور بحث امسالش حول و حوش سکس و خشونت در سینما و سینمای مبتذل بود و همه می‌نالیدند از این همه فیلم مبتذل در سینما. رئیس آن جشنواره - نه مدیر آن که میهمان ما هست - در جلسه خیرمقدم به همه از روی کاتالوگ سه فیلم را پیشنهاد کرده بود که بروند ببینند. یکی فیلم خانه دوست کجاست؟ بود، دیگری کلوزآپ، و سومی یک فیلم روسی. همه می‌گفتند کی می‌شود زمانی برسد که ما سینمایی داشته باشیم که مثل این سینماها اتفاقات آنچنانی درونش نباشد ولی آدم را به دنبال خودش بکشد و جلو برود. این نشانگر این مطلب است که سرو صدای زیاد در بازار سینما باعث شده است تا مردم گرایش به فیلم‌هایی پیدا کنند که به دور از هیاهو و جنجال‌های کاذب می‌خواهند واقعاً یک مطلبی را بیان کنند و با تماشاگران ارتباطی صادقانه برقرار کنند.

س: اخیراً این توهم ایجاد شده است که داریم برای جشنواره‌های خارجی فیلم می‌سازیم. آیا چنین است و اگر هم باشد آیا اشکالی دارد؟

علیرضا شجاع نوری: کسی که برای جشنواره خارجی فیلم ساخته است تا ببیند آنها چه جوری خوششان می‌آید که همان طور بکند، خیلی ناموفق بوده است. ما فیلم‌های زیادی داشتیم که صاحب فیلمی اینگونه، اصرار فراوان به ما می‌کرد که فیلمش را عرضه کنیم و ما هم وقتی عرضه کردیم ایشان دید که سیل انتقادات به سوی ایشان سرازیر شد یعنی همه

می‌گویند این فیلم فلان جاست و به فلان چیز می‌خورد. اگر بخواهیم طوری بسازیم که خوشایند آنها باشد، قطعاً ناموفق خواهیم بود زیرا آنها خودشان بهتر می‌سازند. اگر فیلمی ایرانی باشد و از دیدگاه يك ایرانی، حرف نهایی را می‌زند و این، جذابیت دارد. يك طرف دیگر قضیه این است که آن تبلیغات منفی که در طول سالیان دراز علیه ما انجام داده‌اند، الآن شده است تبلیغات مثبت. یعنی در مقابل آن چهره کریه و منفی که از ما ساختند ما فقط کافی است راه خودمان را برویم، اصلاً لزومی ندارد شاهکار کنیم. همین برایمان محبوبیت ایجاد می‌کند. یعنی آنچنان هنر و سینما در ایران را کوییدند که کافی است فیلم‌ساز برود آنجا و با فیلمش حرف خودش و دیدگاهش را بیان کند. لزومی ندارد که مثلاً سینما اسکوپ کار کند یا ۷۰ میلیمتری، یا از موریس ژارد دعوت کند که موزیک فیلمش را بسازد تا اینها را جذب فیلم خودش کند. همین حرف ساده‌اش است که با استقبال مواجه می‌شود. مادر جشنواره‌ها فیلمی داشتیم که کارگردان آن تجربیات کودکی خودش را ساخته بود بدون اینکه متأثر از هر چیز دیگری باشد، چون آنها را دیده و لمس کرده، در محیط بوده و آن‌ها را نفس کشیده بود. فیلم دیگری هم داشتیم که با توجه به شات‌های مختلف از فیلم‌های گوناگون، ساخته شده بود و الحق خوش ساخت هم بوده است و ما می‌توانستیم از این هر دورا می‌دیدیم! یعنی کسی نمی‌آید مثلاً کار اسپیلبرگ را اول کند و بیاید کار کسی که يك اثر دست چندم فوردر را کپی کرده است، مشاهده کند. او می‌رود چیزی را که جان فوردر و پدر و اجداد او هم نمی‌توانند بسازند، تماشا

می کند. فیلم ایرانی را فقط يك ایرانی می سازد همینطور که يك ژاپنی می تواند فیلم ژاپنی بسازد. کوروساوا با همه استادیش نمی تواند آن سوی آتش را بسازد و کیانوش عیاری هم نمی تواند يك پلان از فیلمهای ژاپنی را بسازد. تا موقعی که به فرهنگ غنی خودمان چسبیده باشیم، همه جا موفقی هستیم و نباید به چیز دیگری توجه کرد.

سید محمد بهشتی: حقیقتاً يك نقص بسیار بسیار بزرگی در توضیح و تشریح آن چیزی که در حضور بین المللی سینمای ایران اتفاق می افتد یا افتاده است، وجود دارد. وقتی آدم با سؤالها و اظهار نظرهای مختلف روبه روست که مثلاً ۵ موضوع در حضور بین المللی مطرح است و انگار همه این ۵ موضوع غلط است بدین خاطر است که توضیح داده نشده است که واقعاً چه

حادثه ای دارد اتفاق می افتد، جشنواره بین المللی چیست، چه جو رویدادی است، چه کسانی تصمیم می گیرند، چه مکانیزمی در آنجا فعالیت می کند، ما نیتمان از این حضور چی هست و وقتی این حضور صورت می گیرد انعکاس آن به چه نحوی است. انگار در تمام اینها يك توضیحات و تصورات کاملاً دور از واقعیتی وجود دارد یعنی به ضرر واقعیت و شاید گاهی هم به نفع آن! گویی بیشتر از آنچه باید به آن واقعیت امتیاز بدهیم، داریم امتیاز می دهیم.

می گویند کسی داشت قرآن می خواند، در حین خواندن يك جا گیر کرد. او نمی توانست آیه «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» را بخواند. و چون اشکال دارد که آدم قرآن را غلط بخواند و باید خواندنش را تصحیح کند، لذا رفت به نزد کسی که

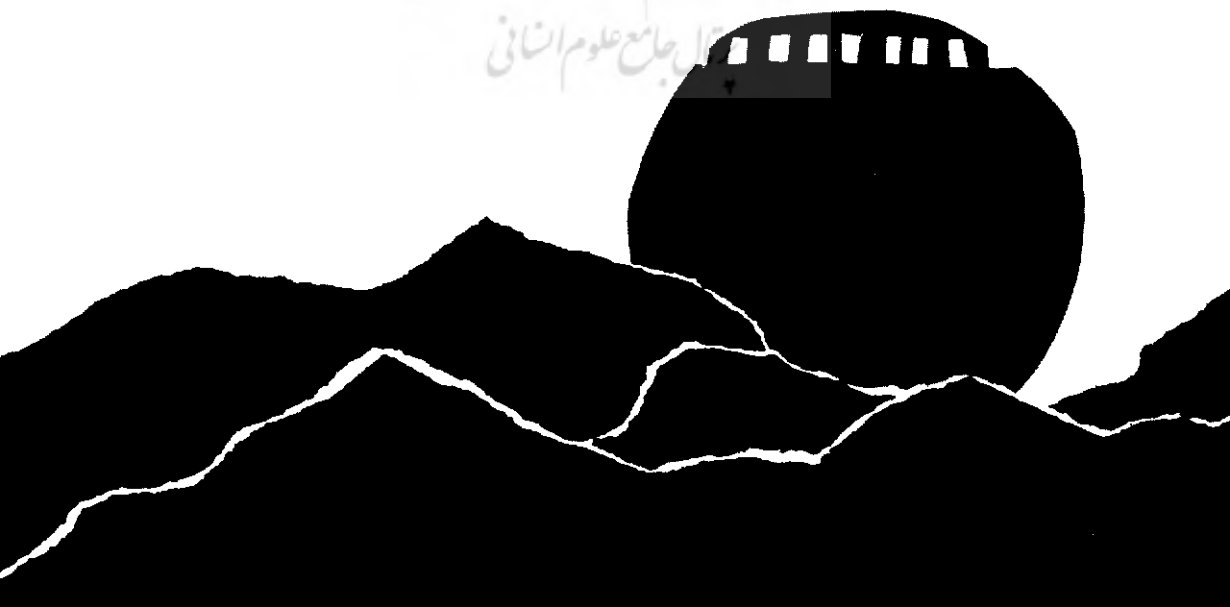
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

به قرائت قرآن آشنا بود و گفت: «آقا، اینجا جای قرآن را که می‌خوانم، نمی‌توانم درست بخوانم، می‌شود شما راهنمایی کنید که درست بخوانم؟» آن شخص هم گفت: «بخوان بینم». و او خواند: «وَأَذْخَاءَ بُصْرَةَ اللَّهِ» و گفت: «فقط نمی‌دانم «وَالْقَنْجِ» درست است یا «وَالْقَنْجِ»، لطفاً راهنمایی کنید!» حالا هم وقتی این سؤالها می‌شود گویا حیرانیم در اینکه «وَالْقَنْجِ» درست است یا «وَالْقَنْجِ». در دنیا با تبلیغاتی که علیه ایران شده است از ایران تصویری ساخته‌اند که برای آدمی که چنین تصویری در ذهنش حک شده است اصلاً قابل تصور نیست که سینما در آن وجود داشته باشد. این تبلیغات علیه ما شده است. من یادم هست در یکی از جشنواره‌ها که دعوت شده و رفته بودیم، مدیر جشنواره پرسید: «هفت تیرهایتان

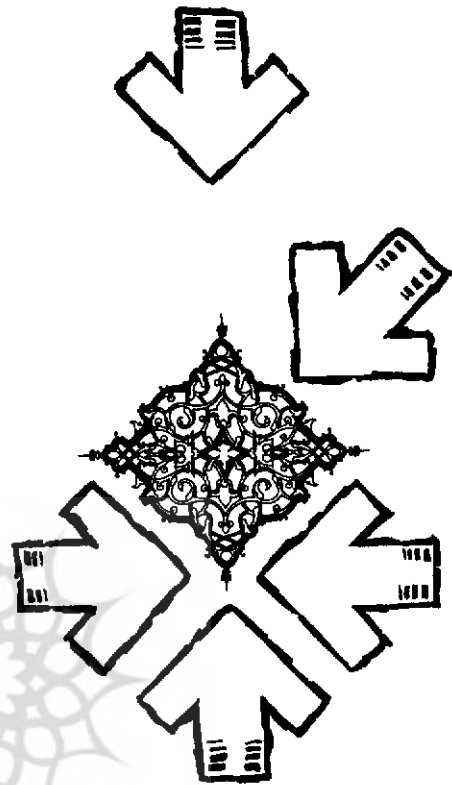
کو؟» انگار گروه ششلول بندی هستیم که از یک جایی بلند شده‌ایم و به آنجا رفته‌ایم. این تصویرهایی است که در ذهن این جماعت ساخته شده است. تبلیغات وسیعی که بر علیه ایران در جهان وجود دارد، حجمش آنقدر هست که فکر نمی‌کنم بر علیه چیز دیگری بوده باشد. یعنی آنچه تحت عنوان جنگ سرد از سوی امریکا نسبت به شوروی وجود داشت در طی این ۱۰ سال گویی تماماً علیه ایران صورت گرفته است. یعنی نه فقط در امریکا بلکه در تمام کشورهای غربی و جهان سوم و حتی اروپای شرقی این تبلیغات علیه ایران وجود داشت. حالا در مقابل چنین تصویری اگر سینمای ما بتواند این سؤال را مطرح کند و این جور را بشکند و در این ظلمت بسیار بسیار تیره، کبریتی روشن کند، نباید از آن استقبال کنیم؟ اگر آنها واقعاً می‌توانند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه ملی ایران



هستند، مشاهده کرده‌ایم. وقتی اینها می بینند همین کشور فیلم می سازد، خوب هم می سازد و در جشنواره‌ها هم حضور دارد تبلیغات را باطل شده می بینند. برای آنها قبل از همه عجیب است که چنین کشوری بتواند سینما داشته باشد چون در هر صورت برای داشتن سینما باید امکانات و مقدمات اولیه را داشته باشد ولی از کشوری مثل لبنان یا عراق به واسطه بحرانهایشان نمی توانید توقع داشته باشید که سینما داشته باشند. وقتی کشوری سینما دارد و سالانه این تعداد فیلم در آن ساخته می شود، تبلیغات آنچنانی را باطل می کند. حضور سینمای مادر هر کجا باطل السحر این فکر است و اگر آنها بخواهند جلوی ما را بگیرند نباید بگذارند سینمای ما نفس بکشد و میدان پیدا کند، همان طور که تلاش داشتند و قصه‌هایش را باید آقای شجاع نوری در مورد سالهای ۶۴، ۶۵، ۶۶ بگوید تا متوجه بشوید که چه برخوردی با ما داشتند.



يك زمانى ممكن است به عنوان كارشناس قضيه برويم و تجربه كسب كنيم و بگوييم هر چه فيلم به هويت مستقل فرهنگى و هنرى نزديك شود موفقتر است. براى مخاطبان ما الان اين مشكل وجود دارد كه منابع مستقلى يابند تا اين حرفها را آنها بگويند. اين منابع مستقل كجا هستند؟ فكر مى كنم اينها رسانه‌هاى گروهى هستند كه در كشور موجودند ولى آنها را هم عملاً مى بينيم كه معطل هستند بين «وَالْقَنْجِ» و «وَالْقَنْجِ». نمى دانند كدام درست است ولى اعتقاد دارند «أَدَاخَاءُ بُصْرَاءِ» را درست مى خوانند! تحمل چنين وضعى كار سختى است يعنى اينكه بينيم خيلى از حرفها بيخود

ممانعت كنند خوب بيايند نگذارند كبريت روشن شود. در تصور آنها در كشور ما مردم با شتر اين طرف و آن طرف مى روند. حتى يك ميهمان علاقه مند به انقلاب اسلامى براى دهه فجر دعوت كرده بوديم كه اين بنده خدا با توجه به آن تبليغات فكرى كرد در ايران قحطى است و لذا با خودش مواد غذايى آورده بود تا اين بسار مختصر را به تصور خودش از دوش انقلاب بردارد. حتى ميهمانان ما به رستورانها كه مى رفتند و غذا مى خوردند، فكر مى كردند به آنها كلك زده ايم و تمام اينها همانند دكور فيلمها، صحنه سازى است. اينها نكات ابتدائى و خنده دارى است كه از آموهاى كه تبليغاتچى

است و خیلی از ادعاها صحیح . ولی خودمان مجبوریم که از خودمان دفاع کنیم . حتی با فیلمسازانمان هم ما چنین گرفتاریهایی را داشتیم . بسیاری از اینها که به جشنواره‌ها می رفتند ، لو انگل به دست اندرکاران حاضر در آن جشنواره‌ها نگاه می کردند . در حالی که ما به آنها می گفتیم ما مقامی داریم ، شانی داریم ، شما فیلمساز خوبی هستید و در دنیا خیلی اعتبار دارید ، لذا به آنجا که می روید سرتان را بالا بگیرید و اگر حواستان را جمع کنید می توانید از بالا به آنها نگاه کنید چون آنها انتظارشان این است که شما از بالا به آنها نگاه کنید . عملاً رفتند و حداقل نگاه برابر داشتند و اصلاً با یک منظره جدیدی از فیلمسازهای خارجی مواجه شدند که خیلی به واقعیت نزدیک بوده است .

س : با توجه به اینکه بدنه اصلی جشنواره ، بخش مسابقه فیلمهای ایرانی و مسابقه فیلمهای اول و دوم در نظر گرفته شده است ، در صورت امکان درباره ملاکها و معیارهای انتخاب و گزینش اعضای هیئت داوران صحبت کنید ، درباره اینکه چه مقدار به توانایی قضاوتهای هنری و قضاوتهای سیاستمدانه تأکید دارید؟

سید محمد بهشتی : در سالهای گذشته خیلی راحت ترمی توانستیم متهم شویم به اینکه برای عضویت در هیئت داوران از شخصیهایی که سینمایی نیستند بلکه فرهنگی یا سیاسی هستند ، دعوت می کنیم . اما روند این نه دوره نشان می دهد که مرتب به سمت سینمایی تر شدن هیئت داوران پیش رفتیم .

اما اینکه از بین دست اندرکاران سینما چه کسانی دعوت می شوند ، باید به چند نکته اشاره کرد . یکی اینکه باید در کار خودشان نسبتاً

آدمهای موفق باشند . دیگر اینکه باید امکان حضورشان در هیئت داوران وجود داشته باشد یعنی خودشان اظهار تمایل کنند یا قبول کنند ، ضمن اینکه نباید با مقررات جشنواره مغایرتی داشته باشند . یعنی اگر کسی دریکی دو کار مشغول است دیگر نمی تواند عضو هیئت داوران باشد . این مورد همیشه باعث می شود که نزدیک به جشنواره که می شود مادر به در دنبال داور بگردیم و کسانی را جستجو کنیم که این جنبه‌های مختلف را در کنار یکدیگر داشته باشند . معمولاً تعدادشان هم محدود است .

جمع شدن این تعداد هم کار آسانی نیست . من در هشت دوره گذشته - چون دوره نهم تا الان که این جلسه برگزار می شود هنوز کارش تمام نشده است - همیشه شاهد بوده‌ام که این اشخاص هر چقدر هم که حرفه‌ای باشند و حتی در نقاط مختلف دنیا تجربه داوری بین المللی هم داشته باشند از لحاظ مراعات مقررات و ارزیابی در تفکیک عناصر از یکدیگر و برای داوری کنار هم چیدن ضعف داشته‌اند و حقیقتاً اعصاب ما را خورد می کردند . اینها به نظر می رسید که در داوری آماتور هستند . من فکر می کنم که شاید تا هفت ، هشت ، ده سال آینده هیئتهای داوری ما اصولاً کسانی باشند که از لحاظ داوری آماتور هستند . یعنی داور حرفه‌ای که بتواند سریعاً خصوصیات فیلم را تشخیص دهد نباشند . البته ممکن است در کار خودشان به عنوان فیلمبردار ، کارگردان یا نویسنده برجسته باشند و توانا و موفق ؛ اما داوری کردن حقیقتاً مشکل است و اینها قاضیهای آماتوری هستند که سالی یک بار داوری می کنند و در این زمینه به عنوان یک حرفه تداوم ندارند .

